

اخلاق حرفه‌ معلمی و رویکردهای تربیتی از منظر ابن‌سینا

محمد حسین حیدری،* کمال نصرتی هشی،** زهره متقی***

چکیده

هدف از نگارش این مقاله، بیان دیدگاه ابن‌سینا در باب اخلاق حرفه‌ معلمی و رویکردهای تربیتی است. پژوهش حاضر با بهره‌گیری از رویکرد کیفی و با روش توصیفی تحلیلی انجام شده و با استفاده از منابع موجود به تحلیل و استنباط دیدگاه ابن‌سینا درباره‌ پیش‌بایست‌های حرفه‌ معلمی و رویکردهای تربیتی پرداخته است. نتایج به‌دست‌آمده از آراء ایشان، نشان می‌دهد که هر مربی‌کاردان لازم است دارای صفات

*- استادیار گروه علوم تربیتی دانشگاه اصفهان.

kamalnosrati1367@yahoo.com

**- نویسنده‌مسئول: دانشجوی دکترای فلسفه تعلیم و تربیت، دانشگاه اصفهان.

kamalnosrati1367@yahoo.com

***- دانشجوی دکترای فلسفه تعلیم و تربیت، دانشگاه اصفهان.

Rozita2518@gmail.com

تاریخ تایید: ۱۳۹۳/۰۵/۲۷

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۰۳/۲۷

و اخلاق پسندیده در بُعد فردی و اجتماعی باشد و قبل از تربیت دیگران، با رعایت نکاتی، ابتدا به تربیت نفس خویش پردازد و در زندگی خود برای تمام امورش حُسن تدبیر داشته باشد. مربی می‌بایست زمانی در پی تربیت کسی برآید که ابتدا طرف مقابل را شناخته و رفتارش در همه حال بر اساس دین و مروت باشد. در نهایت از چنین معلمی انتظار می‌رود در ارشاد و نصیحت فراگیران به درجه‌الایی از مهارت نایل شود. همچنین در مکتب سینوی از مربی انتظار می‌رود از طریق آموزش به صورت گروهی، تشویق و تنبیه، تکرار و تمرین، بازی، تهذیب نفس و در نهایت ابراز محبت به فراگیران، به تعلیم و تربیت پردازد.

واژه‌های کلیدی

دانشمند مسلمان، ابن سینا، اخلاق معلمی، تربیت.

مقدمه

پیشرفت و هرگونه تحول اساسی در جامعه مستلزم متحول شدن نظام آموزشی آن جامعه است و محور اصلی پیشرفت در هر نظام آموزشی، کیفیت عملکرد معلم است. معلم به عنوان مهمترین رکن تعلیم و تربیت در تربیت ابعاد آموزشی، اعتقادی، عاطفی، اخلاقی، سیاسی، اجتماعی و ... دانش‌آموزان به صورت مستقیم دخالت دارد و در تربیت نیروی انسانی که جامعه به آن نیاز دارد، نقش به‌سزائی ایفا می‌کند. مفهوم معلم با مفاهیم مشابه خود همچون واژه مدرس، این

تفاوت اساسی را دارد که هدف معلم، فقط تدریس تنها در کلاس نیست. هدف معلم تربیت همه‌جانبه دانش‌آموزان است. معلم با روح و روان دانش‌آموز سر و کار دارد؛ کار او شکوفاساختن استعدادهای دانش‌آموزان است. اگر تاریخ آموزش و پرورش را علم «شدن» آدمی بدانیم، معلمان در این شدن و تکامل آدمی، سهم و نقش زیادی را برعهده داشته‌اند. اگر تربیت را فراهم‌کردن زمینه‌های بالندگی، برکشیدن و متعادل‌کردن آدمی بدانیم و هدف از آن را فعلیت‌بخشیدن به استعدادهای بالقوه انسان‌ها در جهت کمال و قرب الهی بدانیم، معلمان و مربیان در تحقق این امر، نقش ارزنده و به‌سزایی داشته‌اند.

همچنین اگر در جست‌وجوی شناخت عوامل مؤثر در تکوین شخصیت آدمی، اعتدال وجود و شناخت جسم و روان او باشیم، این معلمان هستند که یکی از عوامل تأثیرگذار و فراهم‌کننده رشد اخلاقی، جسمانی، اجتماعی، عاطفی و عقلانی آدمی بوده‌اند. (میرحیدری، ۱۳۸۶) از این رو به‌خاطر نقش و جایگاه والای معلم یا مربی در جهت‌دهی به فعالیت‌های تربیتی، در مقاله حاضر، به معرفی خصوصیات و پیش‌نیازهای معلمی و رویکردهای تربیتی معلم از منظر ابن‌سینا پرداخته می‌شود. علت پرداختن به این موضوع این است که امروزه بیش از هر زمان دیگری ضرورت بازخوانی آثار متفکران به‌عنوان الگوی اصیل اسلامی ایرانی احساس می‌شود و نظام‌های تربیتی مختلف به تناسب بافت فرهنگی تاریخی خود، سعی می‌کنند با اتکاء به آرای اندیشمندان جامعه خویش، خط‌مشی‌های تربیتی مطلوبی را تعیین کنند. بنابراین پژوهش و مطالعه در آرای ابن‌سینا به‌عنوان یکی از نمایندگان اصلی تفکر ایرانی اسلامی، اهمیت فراوانی دارد.

مقاله حاضر به دنبال پاسخ به این سوالات است: ۱. اخلاق حرفه‌ای معلم از منظر ابن سینا چه مشخصاتی دارد؟ ۲. مربی در تعلیم و تربیت فراگیران از چه رویکردهایی می‌تواند استفاده کند؟ در این مقاله به کتاب‌های ابن سینا و آثاری که در رابطه با ایشان نوشته شده است، رجوع شد و محتوای آن با روش توصیفی تحلیلی نگاشته شده است.

اخلاق حرفه‌ای معلم

از منظر ابن سینا کسی که قصد دارد به تعلیم و تربیت دیگران پردازد، قبل از هر چیز بایستی بداند مربی واجد چه شرایط و مشخصاتی باید باشد و این مربی به چه کارهایی باید پردازد یا دارای چه توانمندی‌ها و قابلیت‌هایی باید باشد تا در امر تعلیم و تربیت فراگیران کامیاب شود. در ادامه نکاتی در این باره، از منظر ابن سینا، تبیین و بررسی می‌شود:

۱. ویژگی‌های خُلُقِ معلم

ابن سینا بر این باور است که هر کسی شایستگی تعلیم و تربیت را ندارد و معلم و مربی باید اوصاف و ویژگی‌های متعددی را دارا باشند. مربی به لحاظ اخلاق فردی باید واجد صفات نیک و دور از رذایل اخلاقی باشد. او باید باوقار و بردبار باشد و از سبک مغزی دور بوده، صاحب مروت و پاکی باطن باشد. (ابن سینا، ۱۳۴۷ ق: ۳۷ تا ۳۸) مسلم است کسی که از اخلاق و صفات شایسته بی‌بهره است، نمی‌تواند چنین اخلاقی را در متعلم پرورش دهد. ابن سینا در باب اخلاق اجتماعی مربی این‌گونه می‌نویسد:

مری نه تنها از نظر فردی باید دارای اخلاقی ستوده باشد، بلکه در ارتباط با سایر افراد نیز باید از اخلاقی پسندیده برخوردار باشد. او باید با بزرگان نشست و برخاست کرده، از رفتار و چگونگی زندگی ایشان و نیز از اخلاق و رفتار سایر افراد جامعه آگاه باشد. معلم باید آداب غذا خوردن، سخن گفتن و معاشرت با دیگران را بشناسد. (ابن سینا، ۱۳۴۷ ق: ۳۸)

شاید ابن سینا با این بیان می‌خواهد اعلام کند که مری وظیفه دارد کودک را برای زندگی اجتماعی فردا آماده سازد و او را بر اساس عاداتها و سنت‌های اجتماعی تمرین دهد.

۲. اصلاح نفس خویش

از اخلاق حرفه‌ای معلمی آنچه واجب است اینکه قبل از تربیت و اصلاح فراگیران، بایستی به تربیت و اصلاح نفس خویش بپردازد. ابن سینا می‌نویسد:

نخستین سیاستی که انسان سزاوار است با آن کار خود را آغاز کند، همانا سیاست نفس خود اوست؛ یعنی اول باید در اصلاح نفس خود بکوشد و سیاست و تدبیرش را در آن کار و کوشش به کار برده، خویشتن را صالح و نیکو نماید؛ چه نفس آدمی نزدیک‌ترین و محترم‌ترین چیزها به او است و در میان آنها به توجه داشتن، سزاوارتر و شایسته‌تر است و اگر کسی از عهده سیاست نیکو و اصلاح نفس خود برآید، آنگاه باکی بر وی نیست که به برتر از آن اقدام کرده و به سیاست بلاد بپردازد؛ یعنی کسی که خود را اصلاح کرده باشد، می‌تواند به سیاست و تدبیر امور مردم اشتغال ورزد. (ابن سینا؛ ۱۳۱۹، ۱۷)

بنابراین برای اینکه فردی استحقاق دریافت نشان معلمی را داشته باشد و افراد یا فراگیران را چنان اداره کند که آنان را به وظیفه خود آشنا و بدین وسیله صالح و سعادت‌مندشان بنماید، باید پیش از آنکه به اصلاح آنها پردازد، خودش از حیث علم و معرفت و اخلاق و کردار، شایسته و سزاوار این کار و این مقام عالی و ارجمند باشد. آری رئیس خانواده و مدیر و مصلح و مربی افراد شدن، کار آسان و سرسری نیست، بلکه کاری است دشوار و مهم و مقامی است بلند و ارجمند. رشد و صلاح و نجابت و شرافت و نیک‌بختی و رستگاری فراگیران بسته به صلاحیت علمی و عملی آن مردی است که به تربیت آنها می‌پردازد. یکی از عوامل و اسباب مهم بدبختی بسیاری از فراگیران، نبودن این صلاحیت‌ها در مربی آنها است. فردی که به تدبیر و تربیت فراگیران حاضر می‌شود، بایستی واجد این صلاحیت‌ها و شایستگی‌ها باشد. بنابراین شخصی که خود را اصلاح کرده باشد، می‌تواند و شایسته و سزاوار است که به اصلاح دیگران پردازد. همچنین اگر کسی به اصلاح خود موفق نشده باشد، نمی‌تواند به اصلاح دیگران پردازد.

البته اصلاح نفس از منظر ابن‌سینا خود نیازمند پیش‌نیازهایی است که در ادامه بررسی می‌شود:

۱.۲. سیطره عقل بر نفس

ابن‌سینا می‌نویسد:

از جمله چیزهایی که در درجه اول، وجود آن برای کسی که می‌خواهد به سیاست نفس خود پردازد، لازم است، اینکه باید بداند برای او عقلی است که عهده‌دار سیاست کشور وجودش است و نفس است که آدمی را زیاد به

کارهای زشت و پست و ناروا امر می‌کند و این نفس در طبیعت و اصل خلقتش معایب و بدی‌های زیادی دارد. این نفس باید در تحت سیاست و تدبیر عقل اداره شود. (ابن‌سینا، ۱۳۱۹: ۱۸)

در واقع می‌توان گفت اگر انسان نفس خود را به حال خود واگذارد و تحت تدبیر و سیاست عقل اداره‌اش ننماید، آدمی را به‌سوی بدی‌ها و کارهای زشت می‌کشاند و دلیل این سخن هم واضح و روشن است؛ زیرا نفسی که تابع و فرمان‌بردار عقل نباشد، تابع شهوت و غضب و هوی و هوس است و اثرات شهوت‌رانی و هوی‌پرستی و هوس‌بازی در جمع‌آوری صفات نکوهیده و اخلاق رذیله و بدبخت‌کردن انسان، برای همه کس معلوم و محسوس است.

۲.۲. شناخت صفات منفی نفس

از منظر ابن‌سینا، به‌هنگام اصلاح نفس، شناخت صفات منفی نفس به‌عنوان پیش‌نیاز شناخته می‌شود. ایشان می‌نویسد:

کسی که می‌خواهد برای نفس خود سیاست کند و فاسد آن را اصلاح نماید، جایز نیست این کار را شروع نماید مگر پس از آنکه همهٔ عیوب و صفات بد نفس را کاملاً بشناسد و الا اگر از بعضی از آنها غفلت کند، مانند زخمی است که ظاهر آن را اصلاح و ملتئم بنمایند؛ ولی چرک در باطن باقی بماند و این چرک پس از مدتی قوت یافته، دوباره زخم را تجدید می‌کند. چرکی که در زیر پوست پوشیده بود، نیرو گرفته، پوست را پاره کرده و جلوی چشم نمایان

می‌شود. (ابن‌سینا، ۱۳۱۹: ۱۹)

از این رو بر مربی لازم است برای اصلاح نفس خویش، ابتدا عیوب و صفات بد نفس خویش را شناسایی نماید. در واقع اصلاح نفس زمانی به نتیجه مطلوب منتهی می‌شود که با شناخت دقیق صفات نامطلوب نفس همراه گردد؛ یعنی اگر قرار است فردی در پی اصلاح نفس خویش برآید، در قدم اول بایستی بداند چه صفات بدی در وی وجود دارد تا در او دغدغه‌ای ایجاد نماید و در پی اصلاح آن باشد.

۳.۲. شناخت اخلاق خوب و بد و مقایسه خویش با آن

مربی یا هرکس دیگری که می‌خواهد به اصلاح نفس خویش بپردازد، ابتدا بایستی اخلاق خوب و بد را شناخته و خود را بر آن اساس بسنجد. ابن‌سینا می‌نویسد:

کسی که می‌خواهد در اخلاق و عادت‌های خود تصرف کرده و آن را اصلاح کند، باید از اخلاق و صفات و عادت‌های مردم آگاه شود و آنها را با اخلاق و صفات و عادت‌های خود مقایسه بنماید و بداند که او هم مانند دیگران است و افراد بشر مثل و شبیه همدیگرند. اگر دید اخلاق و صفات خوبی در آنها وجود دارد، باید بداند که در او هم مانند آنها به صورت آشکار و پنهان هست. اگر ظاهر باشد باید مراقب و مواظب آنها باشد تا محو و نابود نگردد و اگر پنهان است باید آنها را به هیجان درآورده و زنده کند و در این کار مسامحه و سهل‌انگاری به خود راه ندهد. در این صورت این اخلاق و صفات در اسرع وقت و با آسان‌ترین وسیله، دعوت صاحبش را اجابت می‌نمایند.

(ابن‌سینا، ۱۳۱۹: ۲۷)

مربی هنگامی که عیب و خُلق نکوهیده یا عادت بدی را دید، باید بداند که میل به آن در نفس او، هم پدیدار و هم پنهان است. اگر دید ظاهر و پدیدار است باید با آن قهر و غلبه نموده و از وجود خودش آن را قلع و قمع نماید و آن را با کمی استعمال و شدت فراموشی از بین ببرد و اگر دید نهان و کامن است، مراقب خود باشد که بروز نکند و به حفظ و حراست خود بپردازد و نگذارد آن صفت نکوهیده و عادت بد از گریبان وی سردرآورده و آشکار گردد. (ابن سینا، ۱۳۱۹: ۲۷) بنابراین مربی موفق لازم است همیشه و در همه حال به سنجش و ارزیابی خلق و خوی خویش بپردازد و خوبی‌ها و فضایل را در خود آشکار سازد و از رذایل دوری نماید؛ چراکه مربی به خاطر نقش و جایگاهی که در تعلیم و تربیت بازی می‌کند، تاثیر وافری بر فراگیران می‌گذارد و فراگیران مربیان خویش را به عنوان الگوی زندگانی خویش برمی‌گزینند. حال مربی بایستی قبل از اصلاح دیگران به اصلاح خویش بپردازد و خود را به ملاک‌هایی نزدیک نماید که انتظار می‌رود انسان کامل داشته باشد.

۴.۲. ثواب و عقاب قائل‌شدن برای اعمال نفس

از عوامل موثر دیگر بر اصلاح نفس از منظر ابن سینا، ثواب و عقاب قائل‌شدن برای اعمال نفس است. ابن سینا اعتقاد داشت؛ انسان سزاوار است از طرف خود برای نفس خویش هم ثواب و هم عقاب قائل شده و بدین وسیله بر نفس خود سیاست کند؛ به صورتی که اگر نفس در پذیرفتن فضائل و ترک رذائل خوب اطاعت کرد و با آسانی منقاد گردید، به وسیلهٔ زیادستودن و مسرورنمودن و اجازهٔ تمتع از بعضی لذت‌ها جزای خوب دهد. (ابن سینا، ۱۳۱۹: ۲۸) البته

معلوم است که ستودن نفس در برابر اقدام به کار نیکو و پذیرفتن اخلاق و صفات خوب تا اندازه‌ای خوب است که موجب تشویق و تقویت امید برای پیشرفت و صلاح بیشتری باشد و گرنه در صورتی که سبب خودپسندی و خودبینی و غرور و زیان باشد، خوب نیست. شخص خردمند و با بصیرت باید همیشه متوجه نعمت‌ها و توفیق خدا بوده و بداند به هر کار و صفت خوب و معرفت و فضیلت علمی و عملی که موفق می‌گردد و به هر خیر و صلاح و سعادت که نائل می‌شود، همگی از خدا است. توفیق کار و کوشش در راه صلاح و سعادت یکی از بزرگترین نعمت‌های خداوند است.

حال اگر دید نفس در پذیرفتن صفات خوب و کارهای نیکو خودداری کرده، خوب اطاعت نمی‌کند بلکه سرکشی به خرج داده و رذائل را بر فضائل ترجیح می‌دهد، به مذمت و ملامت زیاد و به ندامت و پشیمانی شدید و جلوگیری از تمتع از لذت‌ها عقابش کند تا رام و اطاعت‌کار شود. (ابن سینا، ۱۳۱۹: ۲۸) بنابراین بهتر است انسان برای ادب‌کردن، نفس سرکش را بر ریاضت‌های شرعی و به کارهای نیکو و سودمند مشغول سازد؛ زیرا ریاضت‌های شرعی، آدمی را به سوی صلاح و سعادت سوق می‌دهد.

۵.۲. یاری جستن از دوست دانا در اصلاح نفس

کسی که در پی اصلاح نفس خویش است، در بسیاری از مواقع قادر نیست تا صفات منفی نفس خویش را بشناسد و در اصلاح آن برآید. از این رو ابن سینا در این زمینه می‌نویسد:

معرفت و شناخت انسان درباره‌ی نفس خود، شایسته‌ی اطمینان نیست؛ زیرا آدمی در باب معرفت عیب‌های خود زیرک و تیزهوش نیست بلکه کندی و غباوت

به خرج می‌دهد. به علاوه در مقام محاسبهٔ نفس و در حساب نیک و بد صفات و اخلاق خود درست دقت نمی‌کند، بلکه زیاد مسامحه و سهل‌انگاری می‌نماید و زیاده بر این دو علت، جهت دیگری هم هست که آن هم در نابودی اطمینان کمک می‌کند و آن اینکه عقل انسان در مقام نظر در احوال خود، از مداخله و آمیزش هوای نفس، سالم و ایمن نیست. پس نظر به علل و جهات مذکور هر کسی که می‌خواهد نیک و بد صفات و احوال خود را بشناسد، در بحث از احوال و جست‌وجو از معایب خود به کمک برادر و دوست خردمندی محتاج و نیازمند است که چون آئینه خویش را خوب و بدی و زشتی را بد و زشت نشان بدهد. (ابن‌سینا، ۱۳۱۹: ۲۰)

برای چنین دوستی شرط دیگری هم هست که آن نیز خیلی لازم و مهم است و آن عبارت است از دیانت؛ زیرا کسی که خردمند و متدین باشد به عقل و ادراک و احساسات و دوستی و امانت او بیشتر می‌توان اطمینان کرد تا کسی که بی‌دین باشد. کسی که به خدا و روز جزا معتقد نباشد و برای نیک و بد و خیر و شر علاوه بر اثرات آن در پیشرفت امور دنیوی، اثر دیگر و مسئولیتی قائل نشود، چگونه می‌توان گفت که شهوت و غضب و هوی و هوس در عقل و ادراک و احساسات او مداخله نمی‌کند. دین و دانش و خرد و تجربه‌جملگی متفق‌اند بر اینکه بی‌دینی منشاء فساد اخلاق و تیره‌گی عقل و فکر و نیروگرفتن شهوت و نفس است. پس به سخن شخص بی‌دین در باب اصلاح نفس و تهذیب اخلاق، مانند بیشتر ابواب زندگی مادی و معنوی، نمی‌توان اطمینان کرد. پس یکی از شرایط دوست سودمند دیانت اوست و نکته‌ای را هم لازم است در اینجا متذکر شوم؛ دینی که وجود آن، دوست را شایسته و سزاوار آن می‌کند تا

عقل و سخن او شایسته اطمینان و تقدیس باشد، دین حق است نه دین باطل و خرافی؛ زیرا دین باطل و خرافی، عقل، ادراک و احساسات بشر را خراب و گمراه و تاریک می‌نماید. پس منظور از شرط تدین در دوست، تدین حق است. شخص متدین باید پیرو دین حق بوده و در آن هم بصیرت داشته باشد؛ یعنی آشنا به حقایق دین حق باشد. (نجمی زنجانی، ۱۳۱۹: ۲۰ تا ۲۱)

لذا شرط متدین و به‌حق بودن دوست، از این بیان ابن‌سینا آشکار می‌شود: در صورتی‌که پایهٔ صحبت و مجالست خودتان را بر اساس دین و مروت قرار دهید و با روشنایی آنها مشی نمایید، گمراه نمی‌شوید. (ابن‌سینا، ۱۳۱۹: ۲۸)

بنابراین می‌توان اذعان داشت که مربی یا هر فرد دیگری که به دنبال اصلاح و تربیت افراد برمی‌آید، ابتدا بایستی به اصلاح نفس خویش برآید. حال چون اصلاح و تادیب نفس به تنهایی در بسیاری از مواقع به خاطر مسامحه و سهل‌انگاری و بسیاری از علل دیگر به شکست منتهی می‌شود، از این رو بر هر فرد لازم است به کمک برادر یا دوست خردمندش به شناخت معایب و اصلاح نفس خویش مبادرت ورزد و بایستی دوستی را به‌عنوان راهنما برگزیند تا بتوان برای اصلاح نفس به راهنمایی‌های او تکیه کرد و چنین دوستی از منظر ابن‌سینا، فرد متدین و متکی به حق شناخته می‌شود.

۳. حُسن تدبیر

از آنجایی‌که ابن‌سینا اعتقاد داشت حسن تدبیر برای همه کس لازم و ضروری است، می‌توان اذعان داشت، یکی از پیش‌نیازها و اخلاق معلمی، حسن تدبیر در ادارهٔ کلاس درس است. ایشان می‌نویسد:

بعد از پادشاهان و فرمانداران کسانی که صاحبان نعمت‌اند و کسانی که جمعی از خاصان و خدمت‌کارانشان تحت‌نظر و نفوذشان اداره می‌شوند، باید حسن تدبیر را در کار بیشتر مراعات کنند. سپس ارباب منازل و سران خانواده‌ها که کسان و فرزندان آنان تحت‌نظر و تدبیرشان اداره می‌شوند، باید در امور خود دارای حسن تدبیر باشند. (ابن‌سینا، ۱۳۱۹: ۸)

به عبارت دیگر حسن تدبیر در امور برای همه با توجه به موقعیت کاریشان لازم و ضروری است و این تکلیف و وظیفه به همه کس متوجه است. علت اینکه این وظیفه به همه کس متوجه است اینکه هر کسی در قبال افرادی که تحت‌نظر و تدبیر او زندگانی می‌کنند، حکومت و سیاستی دارد. حقیرترین و کوچک‌ترین مردم به سیاست خوب و تدبیر نیکو و تفکر زیاد و تأدیب و تعدیل و به راه راست در آوردن و از راه نادرست بازداشتن و بالجمله به همه آنچه شه‌ریار احتیاج دارد، محتاج و نیازمند است. (ابن‌سینا؛ ۱۳۱۹: ۹) از این رو چون معلم به تربیت فراگیران و بالفعل ساختن قوای بالقوه آنها در راستای اهداف تعیین‌شده اشتغال دارد و آنان تحت‌نظر و تدبیر معلم هستند، پس معلم با توجه به جایگاه و اهمیت نقش خویش در سرنوشت فراگیران، به تدبیر امور و حسن سیاست، سزاوارتر از دیگر افراد است.

۴. شناخت جامع از طرف مقابل (فراگیران)

از منظر ابن‌سینا سومین مولفه‌ای که لازم است مربی در تربیت دیگران به آن توجه کند، شناخت فراگیران است. ابن‌سینا می‌نویسد:

هر کس می‌خواهد فاسدی را اصلاح کند، بر او لازم است آن فاسد را کاملاً و به‌طور استقصاء بشناسد تا چیزی از آن بر وی پوشیده و نهان نماند. اصلاح‌کننده اگر واجد این شرط نباشد کار و اصلاحش مطمئن و موثق نخواهد بود. (ابن‌سینا، ۱۳۱۹: ۱۸)

باز ایشان می‌نویسد:

استادی که می‌خواهد صنعتی بیاموزاند، باید بداند که نمی‌تواند به هر شاگردی هر صنعتی را تعلیم دهد، بلکه هرکدام از شاگردان ذوق و شایستگی آموختن و فراگرفتن صنعت مخصوصی را دارند؛ پس باید به هرکس مناسب ذوق و استعدادش صنعت آموخت و گرنه تعلیم و تربیت نتیجه مطلوب نمی‌دهد. دلیل بر این سخن این است که اگر همه کس شایسته و مستعد آموختن همه صنایع بودند، می‌بایست همه کس دارای ادب و صنعت باشد و همه مردم به برگزیدن شریف‌ترین آداب و عالی‌ترین صنعت‌ها اجتماع کنند. دلیل دیگر اینکه آموختن بعضی از آداب برای قومی آسان و برای دیگری دشوار است، لذا می‌بینی که بعضی از مردم بی‌بلاغت می‌روند و برخی پی‌نحو و بعضی بی‌شعر و دیگری پی‌خطابه، هرکسی رشته مناسب ذوق خود را تعقیب می‌نماید و همچنین وقتی از رشته‌های مختلف زبان خارج می‌شوی، بر رشته‌های دیگر فنون و صنایع نظر می‌کنی، می‌بینی یکی علم طب را اختیار می‌نماید و دیگری هندسه را و همین‌طور طبقات مختلف مردم هر طبقه‌ای رشته مخصوصی را اختیار و تعقیب می‌نماید. (ابن‌سینا، ۱۳۱۹: ۴۷ تا ۴۸)

این انتخاب‌ها و مناسبت‌ها و شایستگی‌ها، علت‌های پنهان و اسباب مشکلی دارد که فهم و ادراک بشر از دریافتن آنها قاصر و کوتاه است و از

قیاس و نظر بیرون است و کسی جز خدا آنها را نمی‌داند. بنابراین استاد پیش از شروع به تعلیم باید طبع و قریحهٔ شاگردش را بسنجد و هوش‌اش را بیازماید، سپس مناسب ذوق و استعدادش برای وی از هنرها و صنایع انتخاب نماید و پس از آنکه یکی از هنرها و صنعت‌ها را برای شاگرد برگزید، از اندازهٔ میل و رغبت شاگردش به آن اطلاع حاصل کند و نیز بداند که آیا در آن رشته، سابقهٔ دانشی دارد یا به‌کلی بی‌اطلاع و بی‌سابقه است و آیا افزار و آلات کارش با او سازگار است یا نه؟ و آنگاه عزم خود را جزم کند که به این ترتیب با اصول حزم موافق و از تضييع وقت شاگرد دورتر است. (ابن سینا، ۱۳۱۹: ۴۷)

بنابراین باتوجه به بیان‌های بالا می‌توان نتیجه گرفت؛ نقش مربی در تربیت و سرنوشت فراگیران در تمام مراحل رشد و شکوفایی آنان نمایان است، به‌طوری‌که مربی برای اصلاح و تربیت و به سعادت‌رسانیدن فراگیران، نیاز دارد تا با آنان رابطهٔ عمیقی داشته باشد و به شناخت جامعی نائل شود. مربی زمانی که در شناسایی صفات و ویژگی‌ها و استعداد فراگیران به موفقیت دست یافت، قادر می‌شود به بهترین شکل ممکن و به‌همراه تدابیر منسجم، برای هدایت آنان اقدام نماید و استعداد‌های بالقوهٔ فراگیران را در جهت مطلوب، بالفعل سازد. در غیر این صورت هیچ‌گونه پیشرفتی حاصل نخواهد شد؛ چراکه هرگونه اقدام و حرکت سازنده‌ای در جهت اصلاح و تربیت فراگیران و بر اساس شناخت جامع حاصل می‌شود.

۵. رفتار براساس دین و مروت

ابن سینا فرد معتقدی بود؛ چراکه هرگاه با معضلی علمی روبه‌رو می‌شد، به مسجد می‌رفت و نماز می‌گزارد و از خداوند استمداد می‌طلبد تا مشکل بر او

گشوده شود. (صفا، ۱۳۳۱: ج ۱، ۲۹ و ۳۰) از این رو در تربیت و اصلاح فراگیران لازم می‌دانست که مربی بر اساس دین و مروت رفتار نماید. ایشان در این زمینه می‌نویسد:

وقتی شما پایهٔ صحبت و مجالست خودتان را بر اساس دین و مروت گذاشتید، آنگاه وظیفه و تکلیف شما این است که مقتضای دین و مروت را مراعات کرده و در رفتار و کردارتان بر اساس میزان دین و مروت رفتار کنید و به چیزی که برخلاف دین و مروت باشد، اعتنا نکنید. پس در صورتی که پایهٔ صحبت و مجالست خودتان را بر اساس دین و مروت قرار دهید و با روشنایی آنها مشی نمایید، گمراه نمی‌شوید و به محذوری بر نمی‌خورید؛ زیرا در این صورت طرف صحبت و مجالست شما از دو حال خارج نیست، یا آدم باحزمی بوده و با رفق رفتار می‌کند که از بی‌مبالائی و بی‌پروایی دور و برکنار است. اگر به چنین هم‌نشینی نصیحت کنید و او را به عیوبش آگاه سازید، خوبی و خیرخواهی کرده‌اید و او هم خوبی و خیرخواهی شما را خواهد دانست. چنین آدمی اگر در آغاز نصیحت هم تکبر ورزد، پس از آنکه در سخن شما فکر و دقت کرد و قدر سخن و نصیحت شما را دانست، دوباره بیش از پیش به شما علاقه‌مند خواهد شد. اگر طرف صحبت و مجالست شما چنین آدمی نباشد، بلکه شخص خشن و بی‌پروایی باشد، در صحبت و مجالست با چنین آدمی در هر حال خواه با او مخالفت کنی یا موافقت، از بی‌رفقی او ایمن نخواهی بود. (ابن‌سینا، ۱۳۱۹: ۲۴)

از این رو در نظامی که مبتنی بر آموزه‌های سنیوی است، انتظار می‌رود دین‌مداری بر تمام ساختارهای نظام آموزشی حاکم شود و بر تمام مربیان لازم است در اصلاح و تربیت فراگیران بر اساس دین و مروت رفتار کنند.

۶. شناخت راه ارشاد

حکمت بزرگ تربیت، در اندرزها نهفته است. راهنمایی و پند، از تدابیر مثبت و ارزنده تربیت است. اولیا و مربیان، مصلحان و مسئولان جامعه اسلامی در تربیت فرزندان خویش، از ارشاد و نصیحت سود می‌جویند؛ چراکه قوام و پایداری حیات بشری به پند و اندرز وابسته است. هیچ انسانی از پند و اندرز و راهنمایی بی‌نیاز نیست. یکی از وظایف انسان‌ها و حق آنها بر یکدیگر نصیحت و یادآوری و تذکر است.

ابن‌سینا در آثارش، ضمن توجه به اهمیت ارشاد و راهنمایی، به چگونگی ارشاد و نصیحت نیز توجه داشته است. ایشان می‌نویسد:

طریق ارشاد و راه نصیحت، اگرچه طرف مقابل شخص خردمند باشد، آن نیست که دیوانه‌وار و بدون مراعات و ملاحظه راه و روش، شروع به نصیحت و ارشاد بنمایی، بلکه سزاوار این است که با آن شخص خردمند، از راه مشورت بیایی و با او چنان با رفق و ملایمت رفتار کرده و سخن بگویی که با زخم خون‌دار بدن خویش با رفق و ملایمت رفتار می‌کنی و با نرمی و آرامی خون آن را می‌شویی و نیز آهسته با او سخن بگویی و در خلوت‌ترین مکان و مستورترین احوال نصیحت را آغاز کن. در متنبه‌ساختن وی به عیوبش، تعریض و اشاره، بهتر و موثرتر از تصریح است و سخن را در ضمن امثال گفتن، زیباتر از کشف و آشکارگفتن است. پس از آنکه با چنین راه و روشی شروع به نصیحت و ارشاد نمودی اگر دیدی طرف با میل و رغبت به سخن تو گوش فرا می‌دهد و با نظر قبول آن را می‌شنود، سخن و اندرز خود را به‌طور کامل بگو و چیزی را که گفتن‌اش لازم است فرونگذار؛ یعنی نصیحت کامل کن، لیکن در عین حال از افراط و پرگویی و ملول‌کردن

وی بیرهیز و در گفتن رأی و نظر خودت زیاده از یک وجه نگو و بگذار رأی تو در قلبش مخمرگردد و در اطراف آن فکر و اندیشه بنماید تا عاقبت کار را بداند و اگر دیدی رفیق و هم‌نشینت به سخن و نصیحت تو اعتنا نمی‌کند، سخن خود را قطع کرده، معنی و مقصود آن را به غیر آنچه مقصودت بود حمل نموده و روی سخن را برگردانیده و نصیحت و ارشاد را به وقت دیگر که نشاط و فراغت و صفای قلب داشته باشد، بگذار. (ابن‌سینا، ۱۳۱۹: ۲۵ تا ۲۶)

سخن حق و نافع همیشه در دل‌ها اثر و نفوذ دارد. بشر به صورت طبیعی حق‌دوست و منفعت‌دوست است. اگر گوینده سخن، حق و نصیحت را با حسن نیت و نظر پاک و حسن اخلاق و نرمی و ملایمت و به‌موقع بگوید دل را می‌رباید و اگر استعداد شنونده برای پذیرفتن سخن حق و سودمند، چنان باشد که در همان حال آن را بپذیرد، به‌طور حتم در دلش تاثیر عمیق می‌گذارد، مانند تخمی که در زیر خاک نهان بوده و منتظر وقت مناسب است تا بروید و بهره و ثمر بخشد، سخن حق و نافع هم در دل شنونده و در دماغش قرار گرفته، منتظر وقت مناسب است تا اظهار وجود و عرض‌اندام نموده، در اصلاح قلب و فکر و کار و کردار صاحب‌اش بکوشد. آری نیرو و استعداد سخن حق و نافع در دل و دماغ بشر از تخم و هسته‌ای که در دل خاک مستور است، کم‌تر و بی‌استعدادتر نیست؛ پس گوینده سخن باید بکوشد سخن حق و نافع بگوید و آن را با حُسن نیت و حُسن خلق و به نرمی و ملایمت بگوید. (نجمی زنجانی، ۱۳۱۹: ۲۶)

بنابراین مریبان بایستی با آشنایی به اصول و طریقه ارشاد و راه نصیحت، در اصلاح قلب و فکر و کردار فراگیران بکوشند تا بذره‌های بالقوه نهفته در وجود آنان، در جهت سعادت رشد و شکوفا شود.

رویکردهای تربیتی معلم از منظر ابن سینا

۱. آموزش به صورت گروهی

مربیان در مکتب سینوی برای اینکه قادر شوند در تربیت و اصلاح فراگیران به موفقیت برسند، بایستی به رویکردهای تربیت آگاه باشند. یکی از این رویکردها، آموزش به صورت گروهی است که ابن سینا به آن توجه نموده و برای چنین روشی فوایدی را مطرح کرده است. ایشان می‌نویسد:

شایسته است به همراه کودک در مدرسه، کودکان بزرگان دیگری، با آداب نیکو و عادت‌های پسندیده وجود داشته باشند؛ زیرا کودک فرامی‌گیرد.

(ابن سینا، ۱۳۴۷ ق: ۳۸)

ابن سینا معتقد است رعایت این روش تربیتی، آثار سودمندی را به دنبال می‌آورد که به شرح زیر است:

الف) تربیت اخلاقی: آموزش دسته‌جمعی باعث می‌شود کودک از اخلاق و رفتار پسندیده همسالان خود پیروی کند و به صفات و عادت‌های نیکو آراسته گردد. ابن سینا در این باره می‌نویسد:

اثر آموزش گروهی، تهذیب اخلاق کودکان و برانگیختن همت و تمرین عادت‌های نیک است. (ابن سینا، ۱۳۴۷ ق: ۳۹)

ب) تربیت اجتماعی: کودک در این مرحله از زندگی‌اش، برای حیات اجتماعی آینده آماده می‌شود. از نوشته‌های بوعلی می‌توان دریافت که آموزش گروهی و ارتباط کودک با همسالان خود در مدرسه و رفاقت آنها با هم یا تعارض حقوق ایشان، به وی آداب معاشرت و ارتباط با دیگران را می‌آموزاند و فرایند اجتماعی شدن او را تسهیل می‌کند. (ابن سینا، ۱۳۴۷ ق: ۳۹)

ج) شکوفایی عقل و ادراک: هنگامی که کودکان با یکدیگر سخن می‌گویند و از دیدنی‌ها و شنیدنی‌ها و حوادث جذاب و عجیبی که برای آن‌ها رخ داده با یکدیگر گفت‌وگو می‌کنند، این خود به شکوفایی ذهنی کودک کمک می‌کند. همچنین این امر موجب تعجب در ایشان می‌گردد و موجب می‌شود کودک آن گفته را برای دیگران بازگو کند. (ابن‌سینا، ۱۳۴۷ ق: ۳۹) در ضمن، ابن‌سینا به مسأله رقابت، غبطه و مباهات در میان کودکان توجه می‌کند که موجب می‌شود کودکان بیشتر ترغیب شوند.

د) ارضای نیازهای روحی: ابن‌سینا به این نکته اشاره دارد که آموزش گروهی، به واسطه اینکه دوستی و سخن‌گفتن با همسالان را به همراه دارد، نشاط را برای کودک به ارمغان می‌آورد. وی با توصیه آموزش گروهی، در پی آن است که این نیازهای روانی کودک را برآورده سازد و معتقد است کنارگیری کودک و تعالیم انفرادی، به این نیازها پاسخ نمی‌دهد. (ابن‌سینا، ۱۳۴۷ ق: ۳۹ و ۸۳) روانشناسی تربیتی بر نیازهای کودک به بازی، محبت، تفوق بر دیگران و ... تاکید می‌کند و با روش‌های تربیت جدید، به دنبال برآوردن این گونه نیازهاست. (اعرافی، ۱۳۷۷: ج ۱، ۲۸۷) از این رو در تربیت فراگیران، بر مرییان لازم است تا از رویکرد آموزش به صورت گروهی بهره‌مند شوند و در نظر داشته باشند که چنین رویکردی برای فراگیران آثار مثبت بی‌شماری خواهد داشت. در واقع در رویکرد آموزش به صورت گروهی، فراگیران زیستن باهم برای زندگی بهتر را تجربه می‌کنند و یاد می‌گیرند که چگونه در کنار هم زندگی مسالمت‌آمیز داشته باشند.

۲. تشویق و تنبیه

تشویق و تنبیه راهی مناسب در برانگیختن انسان به سوی خیر و صلاح و بازداشتن آدمی از شر و فساد است و چنانچه این روش به درستی و براساس آداب آن به کار گرفته شود، نقشی مؤثر و مفید در تربیت و سازندگی شخصیت انسان‌ها خواهد داشت. تشویق و تنبیه روش و بایستی باشند تا مؤثر واقع. این به با اصول، می لوس کنند. از این رو ابن سینا پس از آنکه به مربی کودک توصیه می‌کند که وی را به اخلاق پسندیده ترغیب سازد و از رذائل اخلاقی و عادت‌های ناپسند منع کند، ابزار تشویق و تنبیه یا ترغیب و ترهیب را به عنوان ضمانت اجرای آن توصیه می‌کند. عکس‌العمل مربی کودک باید منطبق با اخلاق و رفتار وی باشد و از نظر کمی و کیفی، تدریجی و متناسب با رفتار کودک باشد؛ مثلاً در مقابل رفتاری ناپسند در ابتدا روی گردانی، سپس ترش‌رویی و پس از آن ترساندن و آنگاه توبیخ باید باشد. (ابن سینا، ۱۳۴۷ ق: ۳۶)

ابن سینا برای تشویق یا تنبیه راه‌های گوناگونی ذکر می‌کند و با این کار می‌فهماند که مربی نباید تنها از شیوه خاصی برای تشویق یا تنبیه بهره جوید؛ مثلاً تشویق کودک هم می‌تواند با تعریف و تمجید از رفتار و اخلاق نیکوی او و هم با انس گرفتن با کودک یا قدردانی از او صورت گیرد. (ابن سینا، ۱۳۴۷ ق: ۳۶) ابن سینا تنبیه بدنی را در صورت لزوم مجاز می‌داند؛ ولی برای آن شرایطی تعیین می‌کند.

الف، اولین تنبیه بدنی باید سخت و دردآور باشد، به گونه‌ای که کودک به شدت بترسد و بداند اگر باز چنین رفتار ناپسندی از او سر بزند، تنبیه

دردناکی در انتظار اوست. در مقابل، اگر تنبیه اول سبک باشد و تاثیر چندانی بر کودک نگذارد، وی را از خطا و تقصیر باز نمی‌دارد و امیدوار است که تنبیه‌های آتی نیز این چنین باشد.

ب، تنبیه بدنی باید پس از ترساندن شدید صورت گیرد. شاید علت آنکه ابن‌سینا این شرط را برای تنبیه بدنی نخست لازم می‌شمرد، آن است که کودک اهمیت چنین تنبیهی را دریابد و در ذهن و خاطر او تاثیر به‌سزایی بگذارد، به‌گونه‌ای که خاطرهٔ چنین وضعیتی او را از تکرار رفتار ناپسند باز دارد.

ج، تنبیه بدنی باید پس از فراهم‌کردن میانجی و شفاعت‌کننده صورت پذیرد. به نظر می‌رسد علت این شرط آن است که به عقیدهٔ ابن‌سینا هدف از تنبیه، بازداشتن کودک از رفتار ناپسند است نه انتقام و اگر هم این‌سینا برای بار اول تنبیه سختی توصیه می‌کند، از این روست که دارای خاصیت بازدارندگی باشد و برای بار دیگر نیازی به آن نباشد. پس، میانجی‌گرانی لازم است تا هرگاه تنبیه به حد کفایت رسید، با وساطت ایشان پایان پذیرد و از تنبیه بیش از حد و نامناسب جلوگیری شود. (ابن‌سینا، ۱۳۴۷ ق: ۳۶ و ۳۷) از این رو مریبان در تشویق و تنبیه کودکان باید توجه داشته باشند که مطابق رفتار کودکان و هماهنگ با آن، به تشویق و تنبیه فراگیران بپردازند و در اعمال آن بایستی به تمام شرایط و اصولی که می‌بایست در امر تشویق و تنبیه صورت پذیرد، توجه داشته باشند تا بهترین نتیجه حاصل شود.

۳. تکرار و تمرین

تکرار و تمرین، رویکرد مناسب و موثر برای یادگیری مطالب شناخته شده است. در واقع برای تسلط بر محتوای آموزشی، فراگیران بایستی به تکرار و

تمرین بپردازند تا از این طریق به درجه خوبی از تسلط و مهارت دست یابند. از نظر ابن سینا تکرار و تمرین در به دست آوردن اخلاق، نقش مهمی بازی می‌کند به طوری که از طریق آن انسان می‌تواند صفتی پسندیده را در نفس خویش ایجاد کند یا خصلت ناپسندی را از وجود خویش پاک سازد. اخلاق چه زیبا و چه زشت، همگی اکتسابی هستند و انسان می‌تواند خلّقی را که تا به حال دارا نبوده با تکرار و تمرین کسب کند و نیز می‌تواند با اراده خویش خلّق خویش را تغییر دهد و ضد آن را در نفس خویش پدید آورد. (ابن سینا، ۱۹۸۸ م: ۳۷۳)

ابن سینا، همچون متفکران پیشین، منشاء پیدایش خلق در نفس را عادت می‌داند و عادت را تکرار زیاد فعل، در مدتی طولانی و در شرایط همسان، تعریف می‌کند. (ابن سینا، ۱۹۸۸ م: ۳۷۳) او می‌گوید بر اثر تکرار افعال حتی افعال انسانی؛ چون غضب، تخیل و احساس، در نفس هیأتی پدید می‌آید که به آن خلّق یا اذعان می‌گویند. (ابن سینا، ۱۴۰۳ ق، ج ۲: ۳۰۶) ابن سینا در رساله البرّ والاثم در توضیح این مطلب می‌گوید:

ارتباط میان نفس و بدن، موجب می‌گردد که میان آن دو، فعل و انفعال صورت گیرد. بدن و قوای بدنی اموری را اقتضا دارند و نفس هم به وسیله قوای عقلی اموری را موجب می‌شود که در بسیاری از مواقع، با اموری که بدن مقتضی آن است، ضدیت دارد. پس گاهی نفس، بدن را به دنبال خویش می‌کشد و او را به امری وامی‌دارد و گاهی تسلیم بدن می‌شود و فعل و مقتضای بدن را می‌پذیرد. حال وقتی نفس به صورت مکرر تسلیم بدن گردد، در نفس هیأتی اذعانی پدید می‌آید که پس از آن دیگر نفس چون گذشته

نمی‌تواند مانع حرکت بدن شود. در مقابل، اگر نفس به‌طور مکرر در امری مانع حرکت بدن گردید، در نفس هیأتی غالب پدید می‌آید که از آن پس، بدن می‌تواند به‌آسانی او را از انجام آن امر باز دارد. (ابن‌سینا، ۱۹۸۸ م: ۳۵۵)

از این گفتار می‌توان به جایگاه و اهمیت تکرار و تمرین در شکل‌گیری رفتار انسان پی‌برد. از این رو مربیان امر بایستی در نظر داشته باشند، شرایطی فراهم سازند تا فراگیران با آموختن مطلبی تازه با تکرار و تمرین، به تسلط والایی دست یابند.

۴. بازی

بازی، نیاز اولیه و ضروری کودکان است و هرچه امکان پرداختن آنها به بازی‌های سالم و سازنده بیشتر باشد، فکر و ذهن و جسم آنها بهتر پرورش می‌یابد و خصوصیت‌های اجتماعی آنها بهبود می‌یابد. هیچ زمانی همانند سال‌های اولیه زندگی، بازی تأثیر خود را نشان نمی‌دهد. پس توجه به سال‌های کودکی و تأثیر بازی، ضرورت بسیاری دارد. ابن‌سینا توجه زیادی به نقش تربیتی بازی داشته و به‌کارگیری آن را بیشتر در مراحل اولیه زندگی توصیه می‌کرد. او ضمن تشریح نقش و جایگاه ورزش و بازی در زندگی کودک اذعان داشت که تمرین‌های ورزشی با توجه به سن و همچنین توانایی کودکان متفاوت‌اند؛ چراکه بازی می‌تواند خیلی آرام باشد یا آن‌قدر شدید که نیازمند قدرت بدنی زیادی است.

همچنین ورزش و بازی می‌تواند سبک، تند یا کند باشد و ممکن است سریع باشد که هم به قدرت بدنی و هم به سرعت نیاز دارد و خلاصه اینکه

ورزش و بازی می‌تواند آرام‌بخش باشد. هریک از این نوع ورزش و بازی‌ها در زندگی نوجوان جایگاه مناسب و ضرورت ویژه خود را دارد. (النقیب، ۱۳۷۵: ۳۷) ایشان می‌گویند:

موقعی که کودک از خواب بیدار می‌شود، بهترین چیز برایش استحمام است پس از آن به او اجازه دهیم که ساعتی را بازی کند، سپس به او کمی غذا بدهیم و سپس اجازه دهیم مدت زیادی بازی کند، بعد از بازی او را استحمام نموده به او غذا بدهیم. بازی در این مرحله از زندگی کودک عنصری ضروری به‌شمار می‌رود که به‌وسیله آن، کودک مهارت‌های بدنی و حرکتی متفاوتی را کسب می‌کند و چگونگی به‌سربردن با دیگران را در یک گروه می‌آموزد. (النقیب، ۱۳۷۵: ۳۹)

بنابراین بازی یکی از نیازهای اساسی کودکان به‌شمار می‌رود که از طریق آن، روابط اجتماعی دانش‌آموزان، مشارکت‌پذیری و اعتماد و روحیه تعاون تقویت می‌شود. بازی، برنامه‌ای متعادل و فرآیندمحور فراهم می‌آورد که همه اهداف رشد را تحقق می‌بخشد و رشد فرآیندهای یادگیری همچون مشاهده، تجربه‌آموزی، حل مسئله و خلاقیت را در کودکان تقویت می‌کند و به ارتقای مهارت‌های جسمی، گفتاری و اجتماعی یاری می‌رساند و مهم‌تر از همه، یادگیری را برای دانش‌آموزان لذت‌بخش می‌سازد و در آنان، انگیزه‌ای مداوم برای رفتن به مدرسه و آموزش‌های مدرسه‌ای به وجود می‌آورد. بنابراین لازم است مربیان به نقش و اهمیت بازی در فرایند تربیت توجه داشته باشند و زمینه‌های لازم را برای آنها تدارک نمایند.

۵. ریاضت و تهذیب نفس

ابن سینا با اینکه برای عقل اهمیت زیادی قائل بود، لیکن عقل نظری را در شناخت حقایق ناتوان می‌دانست و به تأیید طریق مشاهده و کشف و شهود می‌پرداخت. البته این امر در اواخر عمر ایشان اتفاق می‌افتد. از این رو برای تربیت فراگیران در کنار سایر روش‌ها، ریاضت‌کشیدن را برای رسیدن به سعادت توصیه می‌کند. ایشان می‌گوید:

کسب شناخت و معرفت صرفاً منحصر در ابزار متداول عقل و حس و تجربه نیست، بلکه نوعی شناخت شهودی می‌توان به دست آورد که ابزار و روش آن ریاضت و تهذیب نفس و وارستگی است. از طریق ریاضت و بیوستن به عالم فرشتگان، نفس حکمت ورزیده و می‌تواند بی‌واسطه کسب معرفت کند. سالک به برکت ریاضت پیش می‌رود و به حدی می‌رسد که گویی مصاحبت و معارفه مستمر برایش فراهم می‌شود. (ابن سینا، ۱۳۷۵، ج ۳: ۳۸۵)

لذا مربیان باید در نظر داشته باشند که تنها از پایان مرحله بلوغ و شروع مرحله تکلیف است که می‌توان از روش شهودی بهره گرفت؛ زیرا در این دوران که از نظر روانشناسی رشد، به دوران عرفان‌گرایی معرفی شده است، نوجوان و جوان به دلیل تغییرات مطلوب و عمده‌ای که در رشد استعدادها و درونی ایشان پدید می‌آید، علاقه خاصی به کشف حقایق و معارف ماورایی و متافیزیکی پیدا می‌کنند. در این دوران مانند تشنگی که عامل تلاش برای یافتن آب است، حقیقتی در وجود جوان پدیدار می‌شود که عامل تلاش برای کشف حقایق و معارف است. ایمان واقعی به خداوند متعال و الطاف و فیوضات حق تعالی در این مرحله از رشد، تحقق‌پذیر بوده و به واسطه استفاده از روش قلبی و شهودی میسر است.

۶. ابراز محبت

زمانی که معلم به شاگردان خویش ابراز محبت می‌نماید با این کار رابطه عمیقی بین دو طرف شکل می‌گیرد و باعث می‌شود شاگرد به گفته‌های معلم گوش فرا دهد و در قبال تکالیف درسی احساس مسئولیت نماید. اینکه کودک چقدر تربیت‌پذیر باشد، در درجه اول بستگی به این دارد که احساس کند چقدر به او محبت می‌شود و چقدر به‌عنوان انسان و عضو خانواده و مدرسه او را به حساب می‌آورند؛ چراکه انسان به‌صورت ذاتی گرایش به محبت دارد و علاقه‌مند است به او توجه شود و دیگران به او مهر بورزند. محبت به‌عنوان نیاز اصیل روحی در نهاد انسان نهفته است و توجه به آن نیاز از سوی هم‌نوعانش، به زندگی وی حلاوت خاصی می‌بخشد. در نزد ابن‌سینا، ابراز محبت از اهمیت والایی برخوردار است. هرچند بحث ایشان در رابطه با مبحث محبت، مربوط به روابط زن و شوهر است؛ ولی می‌توان آن را به روابط معلم‌شاگرد یا والدین‌فرزند به‌خاطر ارتباط آنها با همدیگر تعمیم داد. ابن‌سینا می‌گوید: «محبت و الفت به استحکام و استمرار خانواده می‌انجامد.» و همچنین بیان می‌کند:

وقتی طبیعت دو نفر با یکدیگر الفت و محبتی نداشته باشد، هرچه در اجتماع و نزدیکی آن دو تلاش شود، نتیجه‌ای جز شر و دور شدن آنها از یکدیگر و تباهی زندگی نخواهد داشت. (ابن‌سینا، ۱۴۰۴ ق: ۴۴۹)

بنابراین معلمان با ابراز محبت می‌توانند اعتماد فراگیران را به خود جلب کنند تا رابطه‌ای صمیمی بین آنان شکل گیرد. در واقع مریبان بایستی از طریق مهرورزی، عامل استحکام و استمرار روابط بین خود و شاگردان باشند تا در رسیدن به اهداف تربیت به موفقیت نائل شوند.

نتیجه گیری

پیشرفت و بالندگی هر جامعه مرهون آموزش و پرورش آن جامعه است و پویایی و بالندگی آموزش و پرورش نیز وابسته به کیفیت عملکرد معلمان آن جامعه است. با توجه به نقش محوری معلم در سازندگی جامعه، سزاوار است مسئولان آموزش و پرورش در گزینش معلمان با دقت و وسواس خاصی اقدام کنند و در نهایت معلمانی را انتخاب کنند که واجد ویژگی‌های خاص علمی، اخلاقی، شخصیتی و ... باشند تا بتوانند در تربیت نسل آینده موفق گردند. مسئولان نظام آموزشی باید عملکرد معلمان را به موقع ارزیابی کنند و در برطرف کردن نقاط ضعف و ارتقای عملکرد آنها از هیچ تلاشی مضایقه نکنند. به همین دلیل در این پژوهش، محققان به بررسی اخلاق حرفه‌ای معلمان و رویکردهای تربیتی از منظر ابن‌سینا پرداختند تا روشن سازند که ایشان در تربیت فراگیران، برای معلم چه مولفه‌هایی را لازم و اساسی می‌دانند. یا اینکه از منظر ایشان مربی از چه رویکردهایی در تربیت فراگیران بایستی پیروی کند تا در کارهایش به موفقیت دست یابد. نتایج پژوهش از این قرار است:

- قبل از هر چیز، مربی به لحاظ اخلاق فردی، بایستی واجد صفات نیک و به دور از رذائل اخلاقی و صاحب مروت و پاکی باطن باشد و به لحاظ اخلاق اجتماعی از مربی انتظار می‌رود در ارتباط با سایر افراد جامعه، از اخلاق پسندیده برخوردار بوده و به چگونگی زندگی و اخلاق و رفتار سایر افراد جامعه آگاه باشد و در معاشرت با دیگران مهارت والایی داشته باشد.

- بر مربی لازم است قبل از تربیت و اصلاح دیگران، به تربیت و اصلاح نفس خویش بپردازد. البته اصلاح نفس زمانی تحقق می‌یابد که مربی نکاتی را

در تربیت نفس خویش ملاحظه نماید و به آنها توجه کند که شامل گزینه‌های ذیل است:

* اداره شدن نفس تحت سیاست و تدبیر عقل تا از شهوت و غضب و هوای و هوس نفس مبرا باشد.

* آشنایی به صفات و عیوب نفس و تلاش در جهت از بین بردن آن.

* شناخت اخلاق خوب و بد و مقایسه خویش با آن و تلاش در جهت تحقق اخلاق خوب در نفس.

* ثواب و عقاب قائل شدن برای اعمال خوب و بد نفس.

* یاری جستن از دوست دانا در اصلاح نفس و توجه به اینکه معرفت و شناخت انسان دربارهٔ نفس خویش شایستهٔ اعتماد نبوده و از این رو لازم است از دوستی یاری جوید که دین‌دار و متکی به حق و خردمند است.

- حسن تدبیر از دیگر پیش‌نیازها و اخلاق معلمی است. به عبارت دیگر حسن تدبیر در امور برای همه، با توجه به موقعیت کاری آنها لازم و ضروری است.

- دست یافتن به شناخت جامع و کامل از طرف مقابل، به طوری که بر مربی لازم و حیاطی است قبل از تربیت فراگیران به شناخت آنان نائل شود و با توجه به نقاط قوت و ضعف آنان به تربیت بپردازد.

- رفتار و کردار مربی می‌بایست برطبق موازین دین و مروت باشد، در غیر این صورت، چیزی که برخلاف دین و مروت باشد، به آن اعتنا نخواهد شد.

در ارتباط با رویکردهای تربیت نیز از منظر این سینا نتایج ذیل حاصل شد:

- آموزش به صورت گروهی و دست یافتن به مزایای این روش همچون، تربیت اخلاقی، به صورتی که کودک از اخلاق و رفتار پسندیده همسالان خود پیروی کند و به صفات و عادات نیکو آراسته گردد. همچنین فراگیران از طریق آموزش گروهی برای حیات اجتماعی آماده می‌شوند، در واقع آموزش گروهی و ارتباط کودک با همسالان خود در مدرسه و رفاقت آنها با هم یا تعارض حقوق ایشان، به وی آداب معاشرت و ارتباط با دیگران را خواهد آموخت و فرایند اجتماعی شدن او را تسهیل خواهد کرد و در نهایت آموزش گروهی باعث شکوفایی عقل و ادراک شده و همچنین نیازهای روحی فراگیران از طریق آموزش به صورت گروهی برآورده خواهد شد.

- می‌بایست به تشویق و تنبیه فراگیران، مطابق رفتار کودکان و هماهنگ با آن توجه شود و اصول و شرایطی را که در تشویق و تنبیه لازم است باید در نظر داشت.

- تاکید بر تکرار و تمرین جهت رسیدن به مهارت و تسلط بر محتوای آموزشی.

- توجه به بازی کودکان و توصیه به مربیان در جهت فراهم‌سازی امکانات و موقعیت‌هایی برای یادگیری از طریق بازی.

- ریاضت و تهذیب نفس فراگیران جهت دست یافتن به الطاف و فیوضات حق تعالی و ایمان واقعی به خداوند متعال.

- در نهایت ابراز محبت و عاطفه به فراگیران از طرف مربیان و ایجاد رابطه عمیق بین دو طرف که حاصل آن جذب اعتماد فراگیران است و عاملی برای استحکام و استمرار روابط بین معلم و شاگرد به‌شمار می‌رود.

منابع

۱. ابن سینا، حسین بن عبدالله، ۱۳۷۵، الاشارات والتنبیہات مع شرح خواجه نصیرالدین طوسی، قم: نشر البلاغه.
۲. ابن سینا، حسین بن عبدالله، ۱۴۰۳، الاشارات والتنبیہات به همراه شرح خواجه نصیرالدین طوسی، تهران: دفتر نشر الكتاب.
۳. ابن سینا، حسین بن عبدالله، ۱۴۰۴، الشفاء، الهیات، قم: مكتبة المرعشی النجفی.
۴. ابن سینا، حسین بن عبدالله، المذهب التربوی عند ابن سینا، تالیف و گردآوری عبدالامیر، ز، شمس الدین، بیروت: الشركة العالمية، ۱۹۸۸.
۵. ابن سینا، حسین بن عبدالله، ۱۳۱۹، تدبیر منزل، ترجمه محمد نجمی زنجانی، تهران: مجمع ناشر کتاب.
۶. ابن سینا، حسین بن عبدالله، ۱۳۴۷ق، تدبیر المنازل او السياسات الالهیه، به کوشش جعفر نقدی، بغداد: مجلة المرشد.
۷. اعرافی، علیرضا، ۱۳۷۷، آرای دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت و مبانی آن، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، همکاران محمد فتحعلی خانی، علیرضا فصیحی زاده، علی نقی فقیهی، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها. (سمت) مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی.
۸. مظاهری، حسین، ۱۳۶۷، جهاد با نفس، جلد اول، قم: انجمن اسلامی معلمان.
۹. میرحیدری، اشرف، ۱۳۸۶، جایگاه معلم در نظام‌های آموزشی، اصفهان: پژوهش و تحقیقات آموزش و پرورش.
۱۰. النقیب، عبدالرحمان، ۱۳۷۵، «دیدگاه‌های تربیتی ابن سینا»، پژوهشگاه معلم استان چهارمحال بختیاری، ترجمه نامدار رحیمی، نشریه روانشناسی و علوم تربیتی تربیت، ش ۱۱۵.